

## شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

محمدرضا یزدانیان (مدیرکل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح)

قسمت سوم

**ماده ۱۴:** افسران و درجه داران وظیفه و کارکنان پیمانی که خدمت وظیفه خود را به اتمام نرسانده‌اند. چنانچه به علت ارتکاب جرایم عمدی به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده (۱۲) این قانون محکوم شوند. بقیه خدمت وظیفه خود را پس از اجرای مجازات با دو درجه یا رتبه پایین‌تر به صورت خدمت وظیفه انجام خواهند داد.

### شرح ماده:

در مورد کارکنان پیمانی شاید این سؤال مطرح شود که بین مقررات تبصره ۲ "ماده (۱۲) و مقررات ماده (۱۴) تعارض وجود دارد. بدین نحو که در تبصره مرقوم آمده است که به خدمت اعضای پیمانی یا قراردادی نیروهای مسلح به محض قطعی شدن محکومیت‌های فوق پایان داده خواهد شد. ولی ماده (۱۴) تصریح نموده که این افراد بقیه خدمت وظیفه خود را پس از اجرای مجازات با دو درجه یا رتبه پایین‌تر به صورت خدمت وظیفه انجام خواهند داد.

به نظر می‌رسد تعارضی بین مقررات تبصره ۲ "ماده (۱۲) و ماده (۱۴) وجود نداشته باشد؛ زیرا وفق مقررات تبصره ۲ "به خدمت این افراد به محض قطعی شدن محکومیت‌های مزبور به عنوان "عضو پیمانی" نیروهای مسلح پایان داده می‌شود؛ لیکن از لحاظ خدمت وظیفه عمومی باید برابر قانون خدمت وظیفه عمومی با آنان رفتار شود. در تبصره ۱ "ماده (۳۳) قانون آجا و تبصره ۱ "ماده (۲۱) قانون سپاه و تبصره ۲ "ماده (۲۱) قانون مقررات استخدامی ناجا آمده است: "خدمت پرسنل پیمانی به منزله انجام خدمت دوره ضرورت تلقی می‌گردد و در صورتی که قبل از خاتمه تعهد به هر علت از خدمت مستعفی یا برکنار گردند برابر قانون خدمت وظیفه عمومی با آنان رفتار خواهد شد."

البته به منظور هماهنگی با مقررات استخدامی نیروهای مسلح، بهتر بود به جای قسمت اخیر ماده (۱۴) از عبارت "برابر قانون خدمت وظیفه عمومی با آنان رفتار خواهد شد" استفاده می‌شد.

**ماده ۱۵:** دادگاه‌های نظامی می‌توانند در جرایم تعزیری و بازدارنده علاوه بر تعیین مجازات، به عنوان متمیم حکم، متهم را به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم نمایند:

الف) در مورد کارکنان پایور: ۱- منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین از سه ماه تا دو سال؛ ۲- محرومیت از ترفیع از سه ماه تا یک سال.

ب) در مورد کارکنان وظیفه: ۱- اضافه خدمت حداکثر به مدت سه ماه؛ ۲- تنزیل یک درجه افسران و درجه داران وظیفه؛ ۳- منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین حداقل به مدت سه ماه و حداکثر تا

پایان مدت خدمت وظیفه و در صورتی که باقیمانده خدمت دوره ضرورت کمتر از سه ماه باشد، دادگاه می‌تواند مدت باقیمانده را مورد حکم قرار دهد.

تبصره ۱) در هر مورد که دادگاه از مجازات‌های فوق به عنوان مجازات اصلی استفاده نموده یا مجازات حبس را به یکی از موارد فوق تبدیل کرده باشد، نمی‌تواند همان مجازات را به عنوان مجازات تکمیلی مورد حکم قرار دهد.

### شرح ماده:

۱- هر چند که عبارت "در جرایم تعزیری و بازدارنده" به صورت کلی ذکر شده و ظاهراً حالت تعمیم و اطلاق به کلیه جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی دارد، لیکن به نظر می‌رسد با توجه به فلسفه و مبانی نظری و توجیهی وضع و اعمال مجازات‌های تکمیلی، لزوم تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم و استفاده از روش تفسیر مضیق قوانین جزایی. اعمال مجازات‌های تکمیلی فقط در مورد جرایم عمدی امکان‌پذیر باشد. ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی نیز اعمال مجازات‌های تکمیلی را فقط در مورد جرایم عمدی امکان‌پذیر دانسته است.

۲- به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۰۴ مورخ ۷۹/۸/۱۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، کیفر مقرر در ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی کیفر تکمیلی است و نوع و مدت آن باید در حکم قید گردد؛ اما محرومیت از حقوق اجتماعی مندرج در بندهای سه‌گانه ماده (۶۲) مکرر قانون موصوف، کیفری تبعی بوده و به تبع حکم محکومیت درباره محکوم اجرا می‌گردد و قید آثار محکومیت در حکم ضرورت ندارد. همچنین به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۸۴۸۱ مورخ ۷۳/۲/۱۷، مرجع مزبور "تعیین کیفر حبس برای محکوم علیه به عنوان تکمیل حکم تعزیری یا بازدارنده بر خلاف قانون است."

۳- در ماده (۵) قانون مجازات جرایم ن.م، سال ۷۱، اقامت اجباری در نقطه یا نقاط معین به عنوان مجازات تکمیلی ذکر شده بود که در قانون جدید، مجازات مزبور حذف و فقط منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین پیش‌بینی شده که این تغییر و اصلاح با توجه به مشکلات اجرایی و آثار سوء و تبعات منفی اجتماعی تعیین محل اقامت اجباری از لحاظ تحولات تقنینی در جهت مطلوب بوده است.

۴- حکم تبصره ماده (۱۵) نیز روشن است؛ یعنی در مواردی که دادگاه از یکی از مجازات‌های مصرح در ماده مزبور به عنوان مجازات اصلی استفاده نموده و یا مجازات حبس را به استناد مواد (۳) یا (۴) و یا (۵) همین قانون به یکی از مجازات‌های موصوف تبدیل کرده باشد، مجدداً نمی‌تواند همان مجازات را به عنوان مجازات تکمیلی مورد حکم قرار دهد و لزوماً باید از یکی دیگر از مجازات‌های مذکور در ماده (۱۵) به عنوان مجازات تکمیلی استفاده نماید.

**ماده ۱۶:** حداکثر محکومیت به انفصال موقت در مورد کارکنان پایور نیروهای مسلح یک سال است و محکومان به این مجازات از حقوق بدون کاری مطابق مقررات استخدامی مربوط استفاده خواهند کرد.

## شرح ماده:

- ۱- حداکثر محکومیت به انفصال موقت در مورد کارکنان پایور نیروهای مسلح به صورت تعیین مجازات اصلی و یا تبدیلی بیش از یک سال نخواهد بود.
- ۲- وضعیت بدون کاری اعضای نیروی مسلح و حقوق و مزایای حالت مزبور در قوانین و مقررات استخدامی نیروهای مسلح پیش‌بینی شده‌است.
- ۳- برابر نظریه مشورتی شماره ۷/۶۷۴ مورخ ۶۸/۲/۳۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، مراد از “ انفصال از شغل ” ممنوعیت از انجام خدمت در سازمان یا وزارتخانه مربوط می‌باشد و منظور از “ انفصال از خدمات دولتی ” ممنوعیت از اشتغال در کلیه سازمان‌ها و مؤسسات دولتی است.
- ۴- منظور از عبارت “ انفصال موقت ” مذکور در ماده (۱۶)، همان انفصال از شغل یا ممنوعیت از انجام خدمت یا اشتغال در سازمان‌های نظامی به مدت محکومیت می‌باشد.

## فصل دوم: جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

### مقدمه :

جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی کشور، به جرایمی اطلاق می‌شود که ضرر و زیان و نتیجه سوء آنها به طور مستقیم متوجه مصالح عالی مملکت، استقلال، تمامیت ارضی میهن، منافع عمومی ملت، دفاع ملی کشور، امنیت، آرامش و آسایش عمومی، موقعیت سیاسی داخلی و خارجی حکومت و مناسبات خارجی مملکت با سایر کشورها گردد.

وجه عمده تمایز این دسته از جرایم با جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه اموال و مالکیت، این است که در جرایم علیه اشخاص یا اموال ضرر و زیان ناشی از جرم در درجه اول و به طور مستقیم متوجه حقوق مالی و تمامیت جسمانی و معنوی و مصالح و منافع خصوصی مجنی علیه می‌شود، و اضرار به جامعه و مصالح عمومی در درجه دوم اهمیت قرار دارد؛ لیکن در جرایم علیه امنیت و مصالح کشور، استقلال و منافع عمومی ملت و مصالح عالی مملکت در درجه اول مورد تعرض و تهدید قرار می‌گیرد، و ضرر به منافع شخصی افراد در درجه دوم اهمیت جای دارد. به لحاظ اهمیت جرایم علیه امنیت کشور و رعایت مصالح سیاسی و اجتماعی، مقنن در ماده (۵) قانون مجازات اسلامی، تصریح نموده که هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور و اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران گردد و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد، طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود.

ماده (۱۷):

«هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد، محارب محسوب می‌شود.»

### شرح ماده:

۱- **مرتکب جرم:** شامل هر نظامی می‌شود. منظور از «هر نظامی» کلیه افراد تصریح شده در ماده (۱) همین قانون است که به اختصار «نظامی» خوانده می‌شوند. افراد مذکور عبارتند از: «کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، وزارت دفاع و سازمانهای وابسته آنها، کارکنان ناجا، کارکنان وظیفه نیروهای مسلح، محصلان نیروهای مسلح و کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.»

۲- **عنصر مادی جرم:** طراحی برنامه براندازی جمهوری اسلامی ایران یا اقدام بدان از طریق تشکیل یا اداره جمعیت یا شرکت یا معاونت مؤثر در آن، عنصر مادی این جرم را تشکیل می‌دهد.

۳- قانونگذار به منظور جلوگیری از برداشتهای متفاوت از واژه «براندازی» اقدام به تعریف واژه مزبور نموده و منظور از آن را «تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران» دانسته است.

۴- هر چند که در ماده (۱۷) به تعداد افراد لازم جهت تشکیل جمعیت اشاره‌ای نشده است، اما با استفاده از ملاک ماده (۱۹) همین قانون و ماده (۴۹۸) قانون مجازات اسلامی و برداشت عرف از جمعیت، افراد تشکیل‌دهنده جمعیت حداقل باید سه نفر باشند.

۵- تشکیل جمعیت ناظر بر موردی است که قبلاً سابقه وجودی نداشته اما اداره آن رهبری و هدایت جمعیتی است که قبلاً تشکیل شده است.

۶- کلمه «جمعیت» در این ماده موضوعیت ندارد. بنابراین، هر تشکلی تحت هر عنوانی مانند دسته، گروه، حزب، سازمان، انجمن و ... که حداقل از سه نفر تشکیل شده باشد، در صورت دارا بودن سایر شرایط مشمول موضوع ماده خواهد بود.

۷- قطع نظر از اینکه عضویت کارکنان نیروهای مسلح در سازمانها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی ممنوع بوده و جرم تلقی می‌شود، جمعیت مذکور در ماده، اعم است از جمعیت‌های قانونی و غیرقانونی.

۸- ماده (۱) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و ... مصوب ۱۳۶۰/۶/۷، جمعیت قانونی را چنین تعریف می‌کند: «حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمانها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.»

۹- نوع فعالیت جمعیت مانند فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، اجتماعی، نظامی و... مؤثر در مقام نیست. آنچه ملاک تحقق جرم است، طراحی برنامه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران یا اقدام بدان است که توسط جمعیت صورت گیرد.

۱۰- صرف طراحی برنامه براندازی یا اقدام به آن بدون تشکیل جمعیت یا اداره آن شرکت یا معاونت مؤثر در جمعیت، از شمول مقررات این ماده خارج است. لیکن لازم نیست تمام مؤسسين یا اداره‌کنندگان جمعیت مزبور یا افرادی که در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر دارند در طراحی برنامه براندازی نقش داشته باشند.

۱۱- اگر یک نفر نظامی اقدام به تشکیل سازمان یا حزب و یا جمعیت سیاسی نماید و یا در آن عضویت یابد و تشکل مربوط برنامه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نماید. تحت عناوین مجرمانه متعدد موضوع مواد (۱۷) و (۴۰) همین قانون، قابل تعقیب و مجازات است.

۱۲- منظور از عبارت "شرکت یا معاونت مؤثر در چنین جمعیتی" شرکت یا معاونت مؤثر در جمعیتی است که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی و یا بدان اقدام نماید.

۱۳- قانونگذار، شرکت یا معاونت مؤثر را تعریف ننموده است. پس، تشخیص موضوع به عهده قاضی رسیدگی کننده است که با توجه به نوع و کیفیت اقدامات و فعالیت مرتکب، میزان نقش و مداخله و تأثیر عمل او در تحقق جرم و سایر اوضاع و احوال قضیه مبادرت به اتخاذ تصمیم قضایی می‌نماید.

۱۴- از لحاظ صلاحیت، جرایم علیه امنیت کشور اگر در خارج از کشور نیز به وقوع بپیوندند و مرتکب در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد، به موجب ماده (۵) قانون مجازات اسلامی، رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه های ایران است.

#### **ماده (۱۸):**

«هر یک از اشخاص مذکور در ماده (۱۷)، قبل از کشف توطئه و دستگیری، توبه نماید و خود را به مأموران معرفی کند و اطلاعاتش را در اختیار بگذارد، بنحوی که توبه وی در دادگاه محرز شود، حد محاربه از او ساقط شده و چنانچه اقدام مرتکب موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری وی یا دیگران گردد، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکب جرم دیگری شده باشد به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.»

#### **شرح ماده:**

۱- موضوع ماده (۱۸) توبه مرتکبین بزه طراحی برنامه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق تشکیل جمعیت یا اداره یا شرکت یا معاونت مؤثر در آن است. توبه یکی از علل سقوط مجازات است. اظهار ندامت و پشیمانی بزهکار از رفتار مجرمانه خود و بازگشت از گناه که حکایت از پی بردن مجرم به

قبیح بودن عمل ارتكابی دارد، از موجبات برخورداری از رأفت و عفو اسلامی می‌باشد. شارع مقدس اسلام به منظور اصلاح و درمان مجرمین و پیشگیری از ارتكاب بزه، توبه مجرمین رادر بسیاری از موارد با احراز شرایط خاص آن از موجبات سقوط حد عنوان فرموده است.

در آیات شریفه قرآن مجید، عفو و بخشش خداوند متعال در صورت توبه مجرمین مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>(۱)</sup> اظهار بازگشت واقعی از گناه و جرم و توبه کردن و پوشاندن خطا و گناه در حقوق اسلام و پرهیز از افشای گناه، آثار تضمین سلامت جامعه و معافیت از اجرای کیفر را در پی دارد. در قانون مجازات اسلامی در مواردی توبه از موجبات معافیت از مجازات معرفی شده است.<sup>(۲)</sup>

امروزه مکاتب پیشرفته حقوقی مانند مکتب دفاع اجتماعی که صرف مجازات را مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم نمی‌دانند، در بحث جرم شناسی، اظهار ندامت و پشیمانی مجرم از رفتار مجرمانه خود را از علل مهم پیشگیری از ارتكاب جرم و روش مناسب اصلاح مجرم و بازگشت به جامعه و زندگی شرافتمندانه قلمداد کرده‌اند.

۲- منظور از عبارت “هریک از اشخاص مذکور در ماده (۱۷) افرادی هستند که برنامه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده‌اند و به این منظور جمعیتی تشکیل داده یا اداره یا در جمعیت مزبور شرکت یا معاونت مؤثر داشته‌اند.

۳- جهت برخورداری از عذر قانونی مذکور در ماده (۱۷) یا معافیت از کیفر محاربه، اجتماع چهار شرط ذیل ضروری است:

**(الف)** توبه قبل از کشف توطئه و دستگیری؛

**(ب)** معرفی به مأموران ذیصلاح؛

**(ج)** در اختیار قراردادن اطلاعات؛

**(د)** احراز توبه در دادگاه.

۴- اطلاعاتی که شخص در اختیار مأمورین قرار می‌دهد اگر از لحاظ ارزش اطلاعاتی اهمیتی نداشته باشد یا مأمورین قبلاً همان اطلاعات را از طرق دیگر کسب نموده باشند مشروط بر آن که مرتکب تمام اطلاعات خود را در اختیار مأمورین قرار داده باشد تأثیری در حکم قضیه ندارد. ملاک و ضابطه معافیت از مجازات محاربه این است که شخص هر اطلاعاتی از اهداف، برنامه‌ها، اقدامات و فعالیت‌های جمعیت مذکور در ماده (۱۷) دارد، در اختیار مأمورین قرار دهد. بنابراین، قابل استفاده بودن یا نبودن اطلاعات مزبور تأثیری در موضوع ندارد. البته اگر فرد قسمتی از اطلاعات خود را عالمماً و عامداً مکتوم نگه دارد نمی‌تواند از معافیت قانونی استفاده نماید، لیکن اگر بدون قصد و سوءنیت و در اثر فراموشی بخشی از اطلاعات خود را در اختیار مأمورین قرار ندهد، به نظر می‌رسد با توجه به فلسفه وضع مقررات ماده بتواند از معافیت مجازات محاربه استفاده نماید.

۵- توبه مرتکب از معاذیر قانونی معافیت از مجازات است. پس، توبه مرتکب به معنای معافیت از تعقیب کیفری و تحقیقات مقدماتی نمی‌باشد. عبارت "به نحوی که توبه وی در دادگاه محرز شود" مؤید این نظر است.

بنابراین، ضمن اینکه احراز توبه مرتکب توسط مأمورین کشف جرم و یا قضات دادسرا موجب معافیت از تعقیب و مجازات نمی‌شود، پرونده پس از طی مراحل قانونی تعقیب و تحقیقات مقدماتی به دادگاه ارسال می‌شود و اگر در مرحله دادرسی، در دادگاه، توبه مرتکب محرز شد با تحقق سایر شرایط، حد محاربه ساقط می‌گردد.

۶- در ماده (۱۰) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱ آمده بود: «هر یک از اشخاص مذکور در مواد (۸) و (۹)، قبل از کشف توطئه و دستگیری توبه نماید و خود را به مأموران معرفی کند و اطلاعات خود را در اختیار بگذارد، به نحوی که توبه وی نزد قاضی محرز شود، حد محاربه از او ساقط می‌گردد.»

ابهامی که در این ماده وجود داشت این بود که آیا سقوط حد محارب به این معنا می‌باشد که مرتکب به طور کلی از مجازات معاف می‌شود یا اینکه فقط حد محاربه ساقط و امکان اعمال مجازات تعزیری وجود دارد؟ در قانون جدید این ابهام رفع گردید و مقنن بلافاصله بعد از ذکر عبارت "حد محاربه از او ساقط شده" تصریح نموده: «و چنان چه اقدام مرتکب موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری وی یا دیگران گردد، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکب جرم دیگری شده باشد، به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.»

#### **ماده (۱۹):**

«هر نظامی که به منظور بر هم زدن امنیت کشور (ایجاد رعب، آشوب و قتل)، جمعیتی با بیش از دو نفر تشکیل دهد یا اداره کند، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد. اعضای جمعیت که نسبت به اهداف آن آگاهی دارند در صورتی که محارب شناخته نشوند به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌گردند.»

#### **شرح ماده:**

- ۱- مرتکب جرم "هر نظامی" می‌باشد که شرح آن در مواد قبل از نظر گذشت.
- ۲- عنصر مادی جرم از دو قسمت "تشکیل یا اداره جمعیت" و "عضویت در آن" تشکیل شده است.
- ۳- موضوع جرم از لحاظ تشکیل جمعیت یا اداره آن از جرایم مقید است و منوط به تحقق نتیجه، یعنی تشکیل یا اداره جمعیت می‌باشد؛ لیکن از نظر بر هم زدن امنیت کشور، از جرایم مطلق محسوب می‌شود؛ یعنی بر هم زدن امنیت کشور توسط اعضای جمعیت مزبور شرط نمی‌باشد.
- ۴- قانونگذار در این ماده، بر هم زدن امنیت کشور را منحصر به سه مورد ایجاد رعب، آشوب و قتل دانسته است. بدون تردید بر هم زدن امنیت کشور مفهومی عام و کلی و فراتر از موارد مذکور در ماده

می‌باشد. اما نظر به این که مقنن از کلماتی مانند: از قبیل، مانند و ... استفاده نکرده است، پس موارد مذکور در پرائتز، حصری بوده و نمی‌توان از آن برداشت تمثیلی نمود؛ زیرا تفسیر قضایی با برداشت تمثیلی از سه مورد موصوف با تفسیر اصولی قوانین کیفری و نتایج اصل برائت یعنی لزوم تفسیر مضیق قوانین جزایی و تفسیر قانون جزا به نفع متهم مغایرت دارد. پس، به نظر می‌رسد منظور از برهم زدن امنیت کشور در این ماده، ایجاد رعب، آشوب و قتل باشد.

۵- عبارت "امنیت کشور" مطلق بوده و با توجه به عنوان فصل دوم اعم است از امنیت داخلی و خارجی.  
۶- اگر جمعیتی قبلاً با اهداف قانونی و مشروع تشکیل شده باشد، اما بعداً برنامه و هدف خود را بر هم زدن امنیت کشور قرار دهد و به این منظور فعالیت نماید، به نظر می‌رسد مشمول مقررات این ماده نگردد؛ زیرا جهت تطبیق عمل مجرمانه با مقررات ماده (۱۹) هنگام تشکیل جمعیت باید منظور بر هم زدن امنیت کشور وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، در حقوق جزای ایران جهت تحقق بزه، تقارن زمانی عناصر مادی و معنوی جرم شرط است.

۷- کلمه جمعیت در این ماده موضوعیت ندارد و شامل هر تشکلی با هر عنوانی از قبیل سازمان، گروه، دسته، انجمن، حزب و .... که حداقل از سه نفر تشکیل شده و منظور آن برهم زدن امنیت کشور باشد، می‌شود.

۸- ملاک تطبیق موضوع با مقررات ماده، منظور و هدف واقعی مرتکب از تشکیل یا اداره جمعیت است. پس، اگر فردی وفق مقررات، جمعیتی تحت پوشش قانونی با مرامنامه و اساسنامه و اهداف و برنامه‌های ظاهراً معین تشکیل دهد، ولی هدف واقعی او از تشکیل جمعیت یا اداره آن بر هم زدن امنیت کشور باشد، مشمول مقررات این ماده می‌گردد.

۹- در خصوص اعضای جمعیت، لازم نیست عضویت رسمی و یا ثبت شده باشد، بلکه کافی است که ارتباط وی با جمعیت به نحوی باشد که عضو جمعیت تلقی شود. در ضمن، آگاهی اعضا نسبت به اهداف جمعیت شرط تحقق بزه است. هواداری یا طرفداری با عضویت تفاوت داشته و شامل مقررات ماده نمی‌گردد.

۱۰- دریافت حقوق یا دستمزد تأثیری در تحقق جرم ندارد. عضویت ممکن است افتخاری باشد یا حتی عضو به جمعیت کمک مالی نیز بنماید.

۱۱- اعضای که نقش مدیریتی دارند مشمول مجازات صدر ماده می‌گردند.

۱۲- عنصر معنوی جرم از دو جزء تشکیل شده است:

(الف) سوء نیت عام ( قصد تشکیل یا اداره جمعیت یا عضویت در آن)

(ب) سوء نیت یا قصد خاص (قصد بر هم زدن امنیت کشور به مفهوم ایجاد رعب، آشوب و قتل)

**ماده (۲۰):**

«هر نظامی که به نحوی از انحا برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا برای لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید، به مجازات محارب محکوم می‌شود.»

### شرح ماده:

۱- عنصر مادی جرم: اقدام جهت جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور می‌باشد.

۲- این جرم مقید به حصول نتیجه، یعنی جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی، یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور نمی‌باشد و صرف اقدام در این راستا جهت تحقق عنوان مجرمانه کفایت می‌کند.

۳- اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.» همچنین اصل یک‌صد و چهل و سوم قانون اساسی، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی را به عهده ارتش واگذار نموده است. ماده (۷) قانون ارتش. آمادگی و مقابله در برابر هر گونه تجاوز نظامی علیه استقلال، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی ایران و منافع کشور را از مأموریت‌ها و وظایف ارتش دانسته است.

۴- منظور از حاکمیت در حقوق اساسی، قدرت سیاسی دولت است که در دست حکومت می‌باشد و منظور از استقلال، صفتی است که به موجب آن دولتی تحت سلطه دولتی دیگر قرار نگرفته باشد.<sup>(۳)</sup>

۵- در حقوق بین‌الملل عمومی، قلمرو حاکمیت یک کشور شامل قلمرو زمینی، هوایی و دریایی می‌شود ضمن آن که منظور از قلمرو حاکمیت یک کشور، حوزه یا منطقه و یا محل اعمال قدرت حکومت آن کشور است.

۶- نوع و نحوه اقدام مرتکب مؤثر در مقام نیست؛ بلکه هر نوع فعالیت یا اقدامی که به نحوی از انحاء برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور صورت گیرد مشمول مقررات ماده می‌شود.

### ماده (۲۱):

نظامیانی که مرتکب جرایم زیر شوند چنانچه ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد به مجازات محارب و در غیر این صورت به سه تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می‌گردند:

**الف** - هر نظامی که افراد تحت فرماندهی خود یا پایگاه یا محلی که حفاظت آن به عهده او سپرده شده یا تأسیسات و تجهیزات و ساز و برگ نظامی یا نقشه‌ها و اسناد و اسرار نظامی و نظایر آنها را به دشمن تسلیم یا افشا نماید.

**ب** - هر نظامی که برای انجام مقاصد دشمن با او تباری کند.

**ج** - هر نظامی که برای دولت در حال جنگ با ایران یا برای گروه‌ها یا دستجات محارب و مفسد جمع‌آوری نیرو یا کمک نماید یا سایر افراد را به الحاق به دشمنان یا محاربان و مفسدان اغوا و تشویق کند یا عملاً وسایل الحاق آنان را فراهم آورد.

### شرح ماده:

۱- مقنن مقرر نموده چنانچه جرایم مندرج در بندهای "الف" و "ب" و "ج" به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد، مجازات محارب و در غیر این صورت سه تا پانزده سال حبس دارد. سؤالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که جهت اعمال مجازات محارب، منظور مرتکب از ارتکاب جرایم باید هم براندازی نظام باشد و هم همکاری با دشمن یا اینکه ارتکاب جرایم به منظور براندازی نظام و یا همکاری با دشمن کفایت می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال، دو نظر قابل ارائه می‌باشد:

### نظر اول:

با توجه به نص صریح ماده و به کاربرد عبارت "به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن" و استفاده از حرف جمع "و" منظور مرتکب باید براندازی نظام و همکاری با دشمن به صورت توأم باشد. بنابراین، تفسیر عبارت به نحوی جهت اعمال مجازات محارب یکی از دو منظور براندازی نظام و یا همکاری با دشمن کفایت می‌کند، به ضرر متهم بوده و با نص ماده مطابقت ندارد.

### نظر دوم:

مقنن در مقام بیان موضوع ارتکاب جرم به منظور براندازی نظام و یا همکاری با دشمن بوده و با توجه به اینکه در ماده (۱۷) صرف طراحی برنامه براندازی نظام با تشکیل جمعیت را مشمول مجازات محارب دانسته و براندازی مقید به همکاری با دشمن نشده و از طرفی اقدام در جهت براندازی نظام چه با هدف همکاری با دشمن باشد و یا اینکه چنین هدفی را دنبال نکند تفاوتی در ماهیت و نتیجه موضوع ندارد. بنابراین، ضمن پذیرش مسامحه مقنن در تدوین عبارت "به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن" تفسیر منطقی ماده با در نظر گرفتن سنجش ماده با مفاد مواد سابق و لاحق و ملاحظه سیاق و فلسفه وضع

ماده ایجاب می‌نماید که با تفسیر قضایی مراد مقنن را مشخص نماییم. به نظر نگارنده قید «همکاری با دشمن» که در صدر ماده آمده زاید است زیرا این خصوصیت به صراحت در بندهای «الف»، «ب» و «ج» ماده آمده و نیازی به ذکر در صدر ماده که موجب برداشت‌های متعدد قضایی می‌شود نبوده است.

به عبارت دیگر نص صریح، مدلول و منطوق عبارات بندهای «الف»، «ب» و «ج» حکایت از همکاری با دشمن دارد بدین نحو که بند «الف» ناظر بر تسلیم مواضع، تأسیسات، تجهیزات و ... به دشمن بوده و بند «ب» دلالت بر تبانی با دشمن برای انجام مقاصد وی داشته و بالاخره بند «ج» حکایت از جمع‌آوری نیرو یا کمک برای دشمن یا تشویق به الحاق افراد به دشمن دارد.

نتیجه‌ای که از این بحث حاصل می‌شود، این است که اگر ارتکاب مجرایم مذکور در بندهای «الف»، «ب» و «ج» ماده که فی‌نفسه حکایت از همکاری و تبانی با دشمن دارد به منظور براندازی نظام باشد مرتکب به مجازات محارب و درغیراین‌صورت به سه تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می‌شود.

۲- واژه «براندازی» در ماده (۱۷) تعریف شده و منظور از آن تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است.

۳- همان‌طوری که قبلاً ذکر شد، نوع و مصادیق همکاری با دشمن در بندهای سه‌گانه ماده بیان گردیده است.

۴- واژه دشمن در ماده (۲۵) همین قانون بدین شرح تعریف شده است: «منظور از دشمن عبارت است از: اشرار، گروه‌ها و دولت‌هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده یا قصد براندازی آن را دارند و یا اقدامات آنان برضد امنیت ملی است.»

عبارات «مقاصد دشمن، گروه‌ها و دستجات و مفسدان»، مفاهیم کلی و گسترده‌ای می‌باشند که تاب تفسیر موسع را دارند. ذکر عبارات کلی و دارای مفاهیم و مصادیق متعدد و متنوع و قابل تفسیر در متن مواد قانون جزا مطلوب و مناسب نمی‌باشد؛ زیرا اصول مربوط به تضمین حقوق متهم در دادرسی کیفری ایجاب می‌کند که در تدوین و نگارش قانون جزا اصطلاحات کیفری شفاف، روشن، جزئی، تعریف شده، دقیق و مضیق و محدود به معانی و مفاهیم خاص ذکر شود.

۵- واژه‌های «محاربه و افساد» درباب هفتم قانون مجازات اسلامی (مواد ۱۹۲، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۳) و مواد قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، در کنار هم و به صورت مترادف آمده است.

۶- درماده (۱۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱، علاوه بر قیود «به‌منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن» قید «با علم به تأثیر آن در براندازی» نیز وجود داشت که در قانون جدید قید اخیر حذف شده است.

**ماده (۲۲):** «هر نظامی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید، محارب محسوب می‌شود.»

## شرح ماده:

۱- در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱، اقدام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در بند "۵" ماده (۱۱) پیش‌بینی شده بود که حسب مورد مجازات محارب و یا حبس برای مرتکب در نظر گرفته شده بود؛ اما در قانون جدید، اقدام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در یک ماده مستقل و با یک مجازات، یعنی مجازات محارب پیش‌بینی شده است.

۲- رکن ماده، بزه "اقدام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران" است. در ماده (۱۸۶) قانون مجازات اسلامی، از عبارت قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی استفاده شده است. ماده مزبور اشعار می‌دارد: «هر گروه یا جمعیتی متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، مادام که مرکزیت آن باقی است، تمام اعضا و هواداران آن، که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند محاربند، اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند».

۳- علاوه بر قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، عنوان "محاربه" یا در "حکم محاربه" یا "افساد فی الارض" یا در حکم افساد فی الارض، در قوانین جزایی دیگر نیز پیش‌بینی شده است. در این مورد می‌توان به مواد (۵) و (۶) قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب سال ۱۳۶۷، ماده (۱) قانون مجازات عبور دهندگان از مرز مصوب سال ۱۳۶۷، ماده (۴) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷، مواد (۱۱، ۸، ۶، ۵، ۴، ۲) قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب سال ۱۳۶۸ و مواد (۱) و (۲) قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ اشاره نمود.

۴- حد محاربه و افساد فی الارض در ماده (۱۹۰) قانون مجازات اسلامی، یکی از چهار نوع قتل، آویختن به دار، اول قطع دست راست و سپس پای چپ و نفی بلد پیش‌بینی شده است. اداره کل حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه شماره ۷/۹۸۰۰-۶/۱۸-۸۰/۶ اظهار نموده که طبق بند "۴" ماده (۱۹۰) قانون مجازات اسلامی، یکی از مجازات‌های محارب، "نفی بلد" است که با عنایت به شرایط نفی بلد، صدور حکم به "تبعید در زندان" یا "حبس در تبعید" خلاف قانون شناخته نشده است. همچنین مرجع مزبور طی نظریه شماره ۷/۴۲۹ مورخ ۸۰/۱/۲۱ اعلام نموده: «پس از اصدار حکم تبعید و یا نفی بلد، ندامت و پشیمانی محکوم علیه تأثیری نداشته و باید محکوم، محکومیت خویش را بر مبنای حکم حاکم بپذیرد؛ ولی پس از دستگیری و قبل از صدور حکم، بر اساس مدلول ماده (۱۹۴) قانون مجازات اسلامی می‌باید عمل شود».

۵- ماده (۲۳): «هر نظامی که نظامیان یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند یا موجبات فرار را تسهیل یا با علم به

فراری بودن، آنان را مخفی نماید، در صورتی که به منظور براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن باشد. به مجازات محارب و الاً به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.

### شرح ماده:

۱- عنصر مادی بزه «اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی یا تسهیل موجبات فرار یا مخفی نمودن فراریان» می‌باشد.

۲- اجبار یا تحریک دیگران به ارتکاب جرم و یا تسهیل وقوع جرم اصولاً از مصادیق معاونت در جرم می‌باشد. که در این ماده به عنوان جرم مستقل محسوب شده‌اند. تحریک کننده یا اجبارکننده فاعل معنوی بزه تلقی می‌شود.

۳- هرچند که عبارت «اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند» با توجه به اطلاق و کلیت عبارت، در ظاهر امر شامل کلیه اشخاصی می‌شود که در نیروهای مسلح خدمتی را انجام می‌دهند؛ اما با توجه به اصطلاحات «فرار»، «تسلیم» و «عدم اجرای وظایف نظامی» که بعد از کلمات «اجبار» یا «تحریک» آمده، منظور از اشخاص مذکور کسانی هستند که با توجه به رابطه خدمتی آنان، ارتکاب جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی که در ماده تصریح شده‌است، از سوی آنان متصور باشد؛ مانند کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند. (موضوع بند «ح» ماده ۱)

۴- اجبار به معنای واداشتن کسی است به فعل یا ترک فعل معین، به طوری که قصد فعل از وی سلب شود و به طریق اولی قصد نتیجه فعل هم از وی صادر نمی‌گردد. اجبار، اشد از اکراه و اضطرار است.<sup>(۴)</sup> اجبار ممکن است به دو صورت ماده و معنوی صورت گیرد. اجبار مادی در اثر وسایل مادی و فیزیکی و طبیعی صورت می‌گیرد؛ اما اجبار معنوی از طریق کیفیات معرفت‌النفسی و روحی از قبیل اغوا و اقناع توأم با تهدید صورت می‌گیرد.

۵- اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی یا تسهیل موجبات فرار یا مخفی نمودن فراریان. در صورتی که به منظور براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن باشد مرتکب به مجازات محارب و الاً به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.

۶- تحریک باید آن چنان میل و رغبتی در تحریک شونده به وجود آورد که وی را مصمم به ارتکاب جرم نماید و الاً اگر افراد از قبل تصمیم به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی داشته باشند و عمل تحریک کننده تأثیری در تحقق جرم نداشته باشد مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

۷- عنصر معنوی بزه از دو جزء تشکیل شده است:

الف) سوءنیت عام (قصد اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی یا تسهیل موجبات فرار یا مخفی نمودن فراریان)

ب) سوءنیت خاص (قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن)

ادامه دارد

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- آیات شریفه ۳۹، سوره مبارکه مائده و ۱۶ و ۱۷ سوره مبارکه نساء.
- ۲- مواد (۸۱، ۷۲، ۱۲۵، ۱۳۲، ۱۲۶، ۱۸۱، ۱۳۳، ۱۸۲، ۱۹۴، ۲۰۰) قانون مجازات اسلامی.
- ۳- جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق.
- ۴- جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول.